

جواني علي عليه السلام الكويي براي جوانان



- مي گویند باید از حضرت علي (ع) الگو بگیریم! اما چگونه؟!... من يك جوان هستم! يك جوان با خصوصيات خاص دوران جواني! يك جوان با شور و نشاط خاص اين دوران كه به خنده و تفريح، به شور و احساسات نیاز دارد و به الكويي كه مرا به شور آورد!

- مي گویند باید از حضرت علي (ع) الگو بگیریم! اما چگونه؟!... من يك جوان هستم! يك جوان با خصوصيات خاص دوران جواني! يك جوان با شور و نشاط خاص اين دوران كه به خنده و تفريح، به شور و احساسات نیاز دارد و به الكويي كه مرا به شور آورد!

- با تمام اين حرفها، باز هم بهترين الگو براي تو و براي همه، مولاي متقيان است: و بخصوص جواني شان!

- جواني حضرت علي (ع)؟!

*الگو گرفتن يك الگو

- بله ! خود اميرالمؤمنين هم در جواني شان، الگو داشته اند. الكويشان هم پيامبر بوده است. علي (ع) از شش سالگي همراه و همراز پيامبر و در خانه ايشان زندگي مي کرده اند و در همه امور زندگي شان، حتي جزيي ترين مسائل هم به پيامبر اقتدا مي نمودند. يعني خود ايشان هم از يك انسان كامل و والاي ديگر، الگو مي گرفته اند.

- اما چگونه ؟!

- پيامبر اكرم (ص) و علي (ع) همواره با هم بودند، از هنگام عبادت و خلوت در غار حرا گرفته تا مراحل مختلف دعوت خويشان، دعوت عمومي در خانه خدا و حتي سفرهاي تبليغي پيامبر. علي (ع) هميشه اول صبح به دیدار پيامبر مي رفت و آنگاه يکديگر را شاداب و در آغوش مي کشيدند و احوال هم را مي پرسيدند. آندو بزرگوار اوقات زيادي از شبانه روز را در کنار هم به کار و تلاش مي پرداختند و گاه علي (ع) خالصانه عرق از پيشاني پيامبر (ص) پاك مي کرد و ايشان نيز صميمانه از او تشکر مي نمود.

علي (ع) خود در اين باره مي فرمايند : ((پيامبر (ص) مرا در دامن خود پروريد. من کودک بودم، پيامبر مرا چون فرزند خود در آغوش گرمش مي فشرد و در استراحتگاه مخصوص خود جاي مي داد... هرگز نيافت كه من دروغي بگويم و در كردار من اشتباهي رخ دهد. من همچون بچه شتري تازه كه پيوسته به دنبال مادرش هست، به دنبال او مي رفتم. او هر روز نکته هاي تازه اي از اخلاق را براي من آشكار مي ساخت. و مرا فرمان مي داد كه در خط او حركت كنم. آن حضرت مدتي از سال در كوه حرا به سر مي برد و كسي جز من او را نمي ديد... من نور وحي و رسالت را ميديدم و بوي خوش و دل انگيز نبوت را احساس مي كردم.. موقعيتي كه من در محضر رسول الله داشتم براي هيچ كس نبود.))

- بسيار خوب! تمام اين حرفها درست! اما حضرت علي، پيامبر را مي ديده اند، وجودشان را لمس مي کرده و به ايشان اقتدا مي کرده اند اما من چه؟! من كه حضرت علي را نمي بينم، چگونه مي توانم از ايشان الگو بگیريم؟!

- تاريخ كه روح، افعال و رفتار اميرالمؤمنين را ديده و نقل کرده است. از او استفاده كن! ازديدگان تاريخ!

- آري! مگر تو نمي گفتي الكويي مي خواهي كه تو را به شور بياورد. آنچه مي تواند يك جوان را به شور بياورد، ديدن حماسه آفريني ها و شورمندي هاي كسي است كه به او علاقمند است. حال چه كس ديگري را سراغ داري كه به اندازه اميرالمؤمنين ، حماسه آفریده باشد. در همان كودكي كه مصادف بود با آغاز بعثت پيامبر، كودكاني كه به تحريك مشركان، پيامبر را آزار مي دادند و سنگ مي پراندند، با شجاعت از اطراف پيامبر دور مي كرد. چه كسي ، شب را در بستري پر خطر بجاي ديگري، بجاي محبوبش خوابيده و از آن شب به عنوان لذتبخش ترين شب عمرش ياد کرده است؟ مگر رشادتهاي اميرالمؤمنين را در جنگ بدر نشيده اي؟! آن هنگام او فقط 25 سال داشته است و به گفته مورخين نيمي از كشته شدگان اين جنگ با ضرب شمشير علي (ع) از پاي در آمده بودند. مي داني در جنگ احد زمانيكه علي (ع) 26 سال داشت، انجا كه در همان اوائل جنگ پرچمدار 9 لشكر دشمن را به خاك انداخت و بعد هم هنگامی كه پيامبر در خطر محاصره بود پروانه وار به دور آن حضرت مي چرخيد و از وجود مباركشان محافظت مي كرد همه مردم چه ندائي را از آسمان شنيدند:

((لا فتى الا علي، لا سيف الا ذوالفقار))

((علي از همه جوانها بهتر است و ذوالفقار او از همه شمشيرها برنده تر))

- اما جنگ خندق و شجاعت بي همتاي علي (ع) و داوطلب شدن ايشان جهت مبارزه با عمرو بن عبدود يكي از نيرومندترين مردان عرب آري همانجا بود كه پيامبر به واسطه اخلاص علي (ع) در اين مقابله بي نظير فرمود :

((ضربه علي يوم الخندق، افضل من عبادته الثقلين))

به راستي كه چنين حمله اي در وصف هيچ دلير مرد ديگري بيان نشده! در آن زمان اميرالمؤمنين 28 سال بيشتر نداشت!

در جنگ خيبر نيز هنگاميكه تمام مردان با تجربه و جنگ ديده سپاه اسلام، شكست خورده بازگشتند، علي (ع) به ميدان آمد و با فتح قلعه محكم و مقاوم خيبر آن پيروزي بزرگ را براي اسلام به ارمغان آورد.

به راستي كه هيچ جوان ديگري، چنين جواني پرشور و هيجان انگيزي نداشته است.

همه مردان بزرگ تاريخ بشريت و پيشاپيش همه آنان علي (ع) در دوران جواني از رموز موفقيت خود بهره برده، راههاي پريچ و خم آن را با درخشندگي پشت سر نهاده، توانسته اند كارهاي بزرگي را به انجام رسانند.

*تفریح و شادی علی (ع)

- می دانی ای دوست عزیز: من هم حرفه‌ای تو را می‌پذیرم. اما جنگ و شور و حماسه فقط بخشی از زندگی انسان است. چیزهای دیگری هم هستند که آدمی باید به آنها هم توجه کند. الگوی کامل، باید در آن زمینه‌ها هم حرف برای گفتن داشته باشد. اینطور نیست؟

- حتماً همینطور است. و من به تو می‌گویم که امیرالمؤمنین در آن موارد هم، الگویی قابل قبول و کامل ارائه می‌دهد. آخر تو درباره زندگی امیرالمؤمنین چه فکر کرده‌ای؟

فکر می‌کنی تمام زندگی حضرت علی (ع) در جنگ و عبادت خلاصه شده؟

- یعنی اینطور نبوده است؟!

- نه که نبوده است! حضرت علی (ع)، مردی خوش رو و خندان بوده‌اند. همیشه تبسم خوش آیندی بر لب داشته‌اند که دل مؤمنان را شاد می‌کرده است. ایشان تفریح هم می‌کرده‌اند. منتها تفریح در دیدگاه علی (ع) ولگردی و اتلاف وقت یا روز را به شب رساندن نبود.

- پس تفریح علی (ع) چگونه بود؟

علی (ع) کار را تفریح می‌دانست.

تفریح او را، مسافرت، کمک به دیگران، تحصیل و تدریس، سرودن، نوشتن، حفظ و قرائت قرآن، مباحثه، نگرستن به طبیعت و ورزش تشکیل می‌داد. پرداختن به ورزشهای شمشیربازی، پرتاب نیزه، اسب سواری، کشتی، وزنه برداری و شرکت در مسابقات ورزشی هم برای ایشان جنبه تفریح داشته است.

- چقدر جالب بوده است! احتمالاً به دلیل همین دیدگاه امیرالمؤمنین نسبت به تفریح و زندگی بوده است که اگر سرتاسر زندگی‌شان را مرور کنیم، لحظه‌ای توقف و سکون در آن نمی‌یابیم. گویی حتی یک لحظه هم با لحظه قبلی‌شان مشابه نبوده است. و درست به دلیل همین دیدگاه بود که شوخی و خنده هم در سیره مولای متقیان، شکل دیگری داشت.

- مگر شوخی و خنده علی (ع) چگونه بود؟

امیرالمؤمنین اهل شوخی و مزاح بود، اما نه شوخی‌های زننده و بی‌مزه! بلکه مزاح‌های معنادار و آموزنده!

هرگاه که یکی از یاران و دوستانش را غمگین و گرفته می‌دید، با شوخی او را خوشحال می‌کرد تا اندکی از اندوهش کم شود. از همه مهمتر اینکه، شادی علی (ع) هنگامی بود که یک کافر، مسلمان می‌شد. جنگی به پیروزی ختم می‌شد، غذایی به فقیر می‌رساند، دل غم‌دیده‌ای را شاد می‌کرد، مشکلی را از کسی مرتفع می‌کرد و کودک یتیمی را ذوق زده می‌نمود. نکته دیگر هم این بود که مولای متقیان در شوخی‌هایش مراقب و محافظ حدود شرعی بود تا حتی به شوخی دروغ نگوید، دل مؤمنی را نشکند یا با زن و دختر نامحرمی، شوخی ننماید.

*علی و ارتباط با زنان و دختران

- به طور مثال همین چگونگی ارتباط داشتن با زنها و دخترهای نامحرم در جامعه، یکی از معضلات امروز ما جوانها است. بخاطر اینکه نه الگوی مناسبی در مورد آن ارائه شده و نه دیدگاه دین در مورد آن به خوبی مشخص و تبیین شده است. تازه، تندروی‌ها و کج رویهای گروه‌ها و طبقات گوناگون در مرحله عمل را هم به آن اضافه کن.

اگر به سیره امیرالمؤمنین دقت کنی، می‌بینی که حضرت علی (ع) در سنین جوانی با زنان سالخورده اسلام سلام و احوالپرسی می‌نمود ولی با دختران و زنان جوان نه! حتی سلام هم نمی‌کرد. در حالیکه پیامبر در همان زمان با زنان و دختران هم سلام و احوالپرسی می‌کردند. چون زمانی که علی (ع) 20 ساله و درعنفوان جوانی چنین عمل می‌نمود، پیامبر اکرم (ص) قریب 50 سال از عمر شریفشان می‌گذشت بنابراین از آنجا که احتمال پیش آمدن گناه دست کم برای طرف مقابل دور از ذهن نبود، علی (ع) این تربیت شده مکتب پیامبر به عنوان یک جوان سعی داشت مسائل ارتباطی و حدود بین دختر و پسر یا به عبارتی زن و مرد را مراعات کند. هر چند وجود نازنین آن حضرت مبرا و پاکیزه از هر گونه آلودگی بود.

از طرفی پیامبر سه دختر جوان به نامهای زینب، ام کلثوم و فاطمه در خانه داشتند. حضرت علی (ع) با اینکه از کودکی به این خانه رفت و آمد داشتند، اما در این رفت و آمدها نهایت دقت را به عمل می‌آوردند. در حالیکه همین علی (ع) در دوران خلافتش، وقتی که حدود 60 سال سن داشت و همسر شهیدی را نیازمند کمک دید، به یاری او شتافت.

پس در ارتباط با افراد نامحرم، چیزی که بیش از عوامل دیگر اهمیت دارد

نیت و انگیزه طرفین و از همه مهمتر عدم امکان وجود مفسده در این ارتباط برای هر دو نفر است!

یاری رساندن به نیازمند و در طلب رضای خدا آنهم در حد ضرورت مطلوب است و لیکن این سیره جدایی از بهانه جویی برای آشنایی و استمتاع و لذت جویی و هرگونه آلودگی دیگر است.

به راستی که کسی چون حضرت علی (ع)، در سنین جوانی اش و در ریزترین حرکات و رفتارهایش بهترین الگوی نسل جوان ماست.

به نقل از سایت امام علی علیه السلام